

مروری بر پروژه ناتمام بهارستان هنرمندان کرمان

# این پرونده بوی بی‌مهتری می‌دهد



محمدعلی غلامزاده

هدف از بازخوانی پرونده پایگانی شده اجرای ناتمام «بهارستان هنرمندان»، پس از قریب ۲۰ سال که تنها از آن در عمل فقط چند پلکان سیمانی، آب‌نمایی ناتمام و تعدادی قبر، که حتی هیچ سنگینی با فرهنگ و هنر و شعر و ادبیات ندارند به‌جای مانده، جنگ زدن به گذشته و مرور خاطرات سرشار از ناکامی فرهنگی نیست؛ یادآوری به مسئولان و هنرمندان امروز بر مسند نشسته است، برای اتمام آبرومندانه‌ی این طرح؛ طرحی که قرار بود پاسداشت کسانی باشد که اگر در زمان زندگی به آنان عنایت نشده بود، لاف‌پس از مرگ، محل آرام و در خور شانی به یادشان احداث شود.

بعد از تکاپوهای بسیار درباره ادامه این طرح نیمه‌تمام و نشدن‌ها و نخواستن‌ها، که همراه شد با سکوت طولانی مدت رسانه‌های محلی و سراسری، امروز گویی نوبت به بازگویی زوایایی از آن فراسیده است. به دعوت نشریه وزین استقامت، گزارشی از روندی که پروژه‌ی بهارستان هنرمندان طی کرد، ارائه می‌کنم. اطلاعات این گزارش، مستند به مدارکی است که بنده به عنوان یکی از اعضای کمیته‌ی بهارستان در اختیار دارم.

**گام نخست، ایده اولیه**  
پیشنهاد احداث قبرستانی برای هنرمندان

**مردم به میدان آمدند**

فوت توحیدی بهانه‌ای می‌شود تا در ۲۵

## تحلیل رئیس کمیته بهارستان



در مورد مشکلات، دلیل عدم اجرای طرح دکتر معین‌زاده، میزان پیشرفت و اعتباراتی که به آن تخصیص یافت، «گلاب‌زاده» رئیس وقت کمیته بهارستان می‌گوید: «عدم پیگیری و تشکیل جلسات با مسئولان، عامل اصلی ناتمام ماندن این طرح بود و از من نیز به عنوان کسی که مشغله‌های زیادی داشتم ساخته نبود.

از این که چرا طرح دکتر معین‌زاده اجرا نشد، اطلاع چندانی ندارم ولی تا آنجا که می‌دانم مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان توسط «دهمرد» استاندار وقت به این طرح

اختصاص یافت و ۲۰۰ میلیون هم شهرداری هزینه کرد ولی جز آثاری که در بهارستان برجا مانده، کار دیگری انجام نشده است و تردید دارم که این قدر هزینه شده باشد.» او در مورد مبلغ کمک‌های مردمی می‌گوید: «مبلغ اولیه موجود در بانک ملی صرف آبرسانی و آبیاری درختان و طرح تیرهای برق شد و مبلغی هم قریب ۲۵ میلیون تومان نیز نزد مرحوم طیب بود که ایشان از حساب قبلی به حسابی با سود بالاتر انتقال داد و در این مورد به فرزندان ایشان گفتم که تکلیف این پول را مشخص کنند.»

وی در ادامه، فرهنگ غالب را در تحلیل از هنرمندان، در زمان حیات آن‌ها می‌داند و می‌گوید: «در همه جای دنیا مرسوم است که یاد بزرگان فرهنگی خودشان را زنده نگه می‌دارند. حال که هنرمندان در زمان حیات خود مورد توجه مردم و مسئولان نیستند، حداقل پس از مرگ آن‌گونه که شایسته است کاری کنیم که شرمند نباشند و با احداث چنین فضاهایی فرهنگی هم مردم و هم مسئولان آبروداری کنند.»

فروردین ماه ۸۰، به پیشنهاد محمد محمدی پیشکوست مطبوعات، تعدادی از دل‌خواهگان فرهنگ با تشکیل کمیته‌ای کاملاً مردمی به نام «بهارستان هنرمندان» و تدوین اساسنامه‌ی ۱۲ ماده‌ای با امضای ۱۵ نفر از خیرین، هنرمندان، نویسندگان، شاعران، روزنامه‌نگاران و ریاست انتخابی گلاب‌زاده به طور خودجوش کمر همت بستند تا شاید بتوانند با جمع‌آوری کمک‌های مردمی این مهم را به سرانجام برسانند.

برگه‌های جمع‌آوری کمک‌های مردمی با اعلام شماره حساب ۲۰۵۲۰ بانک ملی به چاپ می‌رسد و در مدت کوتاهی از سوی مردم مبلغی به حساب واریز و نقشی بهارستان نیز توسط دکتر مهرداد معین‌زاده طراحی می‌شود. او به‌حق زحمت زیادی کشید و طرح بسیار



آمده بود: «مدت دو سال از تخریب بی‌رحمانه و ناسنولانه‌ی آرامگاه این بزرگان به وسیله‌ی لودرچیان ناآگاه و ناآشنا به شان و منزلت صاحبان ادب و هنر می‌گذرد... و حداکثر تکریم و همت شهرداری در حرمت به این مضحجه‌های تابناک، ایجاد جالبه‌های هندوانه و خیار بود که بحمد... محصول خوبی را در سال گذشته داد که این امر خود دلیل بی‌اعتنایی مفتضحانه‌ی

به استانداری ارجاع داده می‌شود تا با حضور مرحوم محمودی استاندار تعیین و تکلیف شود. در نهایت نیز درمهرماه ۸۰ «سام» طی نامه‌ای از شهردار می‌خواهد تا با افتتاح حسابی مشترک بین کمیته بهارستان (کمک‌های مردمی) و شهرداری (کمک بخش دولتی) و واریز نصف مبلغ توافق شده بین طرفین در قالب بودجه مصوب، عملیات اجرایی آغاز شود. اما اتفاقی در اجرا نمی‌افتد. پس از سه ماه، پیگیری‌ها و دوندگی‌های اینجانب به همراه مرحوم جلال طیب در شورای شهر، شهرداری و استانداری، نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود تا این که در اواخر آذر ۸۰، کمیته بهارستان طی نامه‌ی ضمن توضیح اقدامات مردمی انجام شده و بازنگری نقشه‌ها، خاطر نشان می‌کند که پس از گذشت چندین سال و عدم تحقق وعده‌های مسئولان، اعتماد بخش مردمی سلب شده و تا اجرای این طرح شروع نشود، امکان جذب بیشتر کمک‌های مردمی وجود ندارد.

۹ ماه بعد جلسای مهم در کمیسیون فرهنگی شورا تشکیل می‌شود و در آن پس از این که هیات امنای کمیته بهارستان نقطه نظراتشان را مطرح کردند، بحث شبهه برانگیز «بهای» بودن مرجم فواد مطرح می‌شود و «مهاجری» شهردار وقت به صراحت اعلام می‌دارد که شهرداری در طرح فوادیه نمی‌تواند شرکت کند؛ ولی در اجرای طرح بهارستان و ساخت مجموعه‌ی زیبایی برای آن کمک می‌کند.

بنابراین مقرر می‌شود طرحی برای ساخت محوطه، ظرف سه هفته از طرف شهرداری تهیه و در جلسه‌ی بعدی ارائه شود. البته ناگفته نماند که در این جلسه «زاهدی» عضو شورای شهر خواستار تغییر نام این کمیته از «بهارستان هنرمندان» به «بهارستان مشاهیر» می‌شود و در دفاع از طرح خود ورزشکاران و دانشگاهیان موفق را هم جزو مشاهیر معرفی می‌کند و می‌خواهد که برای این قشر نیز در این طرح جایی دیده شود. در همین زمان دوره‌ی اول شورای شهر به پایان می‌رسد. در حالی که هیچ کار عملی انجام نشده است...

در شورای دوم: «زاهدی» رییس شورا است. این بار با پیگیری‌های هیات امنای باقی‌مانده‌ی کمیته بهارستان (محمد محمدی، جلال طیب، محمدعلی غلاب‌زاده و محمدعلی فردوسی)، کمیسیون فنی و مهندسی در تاریخ ۲۳ تیر ماه ۸۳ تشکیل جلسه می‌دهد و مصوبات شورای اول مبنی بر «عوض کردن نام کمیته و اضافه کردن نخبران علمی، فرهنگی و ورزشی در قالب مشاهیر به طرح قبلی»، و نیز «تدوین آیین‌نامه‌ی برای گزینش واجدان شرایط»، مورد قبول شورای جدید قرار می‌گیرد و مقرر می‌شود که در این مورد، کمیته‌ی مرکب از نمایندگان شورای شهر، شهرداری، کمیته بهارستان، ارشاد، کرمان‌شناسی، سازمان تبلیغات و دانشگاه‌ها تشکیل شود. ۲ سال و ۴ ماه و ۲۵ روز پس از آخرین جلسه شورای سابق، «زاهدی» طی نامه‌ی از شهردار می‌خواهد تا زمان تدوین آیین‌نامه و دیگر اقدامات مربوطه، از خاک‌سپاری در محدوده‌ی بهارستان ممانعت به عمل آید و در رونویسی نامه از مدیرکل جدید ارشاد خواسته می‌شود که آیین‌نامه‌ی دفن افراد واجد شرایط را در این قبرستان تدوین کنند. همچنین زاهدی به لحاظ احیای وعده‌های مسئولان قبلی، به ویژه وعده‌های محقق نشده‌ی حسین مرعشی، نماینده‌ی قبلی مجلس که (در آن زمان) معاون ریاست جمهوری و رییس سازمان میراث فرهنگی بود، نامه‌ای به ایشان می‌نویسد و از او می‌خواهد که به وعده‌ی خود در جهت پرداخت ۷۰ درصد وجه مورد تعهد عمل کند. البته ۳۰ درصد بقیه را قبلاً براساس مصوبه شورای شهر،

پیشنهاد احداث قبرستانی برای هنرمندان کرمان، زمانی در سال ۷۸ مطرح می‌شود که شهرداری، «قبرستان سیدحسین» را تخریب و تسطیح می‌کند و اداره ارشاد، از بیم این که مبادا قبور بزرگانی از جمله مرحوم فواد، میرزا مقصود، مشاق، تجربه‌کار، میرحسینی و... از بین برود، از شهردار وقت می‌خواهد به این قبرستان سر و سامان دهد

شهرداری تقبل کرده بود. سه ماه بعد از ارسال نامه، مرعشی، ذیل یک نامه به سام، رییس سازمان میراث فرهنگی کرمان، چنین دستور می‌دهد: «جناب آقای سام، بررسی و مساعد شود.» به این ترتیب دستورالعمل اجرایی شرایط دفن در بهارستان مشاهیر هم در ۹ ماده و یک تبصره توسط اداره ارشاد در بهمن ماه ۸۳

پس از ۴ ماه به شورای شهر تقدیم می‌شود. طرح همچنان بر روی کاغذ و در مسیر کاغذ بازی ادامه می‌یابد تا این که در پی تغییرات سیاسی کشور، زاهدی برای نشستن بر مسند وزارت علوم راهی تهران و «سلاجقه» رییس شورا می‌شود و باز رییس نو، طرح نو و تخریب فعالیت‌های قبلی! مجدداً بنده به اتفاق مرحوم جلال طیب پرونده‌ی از امکانات انجام شده از ابتدای کار به انضمام نقشه‌های طرح را تهیه و طی نامه‌ای به روفی‌نژاد استاندار جدید ارائه می‌کنیم و ایشان نیز ذیل نامه دستور می‌دهد: «مهندس کمالی جهت پیگیری ۸۴/۱۰/۱۰» و کمالی هم در اولین جلسه‌ی پیگیری، اجرای پروژه را به «مهندس زبوری» محول می‌کند و او نیز برای شروع کار، موافقت کتبی میراث فرهنگی و شهرداری را خواستار می‌شود. برای تحقق این کار، نامه‌ای به میراث فرهنگی نوشته می‌شود که ظاهراً منعی برای اجرای پروژه وجود ندارد؛ ولی «سام» رییس وقت سازمان میراث فرهنگی و رییس سابق کمیسیون فرهنگی شورا که از کم و کیف طرح به خوبی آگاه است با ظرافتی خاص شانه از زیر بار مسئولیت پرداخت ۷۰ درصد بودجه‌ی پروژه، که با دستور «مرعشی» به او واگذار شده بود، خالی می‌کند و طی نامه‌ای به مدیر کل ارشاد - ضمن این که ماهیت طرح را فرهنگی ذکر می‌کند - از او می‌خواهد که بودجه‌ی مذکور را در سال ۸۵ آن اداره پیش بینی کند! نامه‌ی مذکور که پیگیری‌اش به عهده‌ی بنده بود، مدت‌ها در اتاق «محبان» مدیر کل وقت ارشاد پایگانی می‌شود و وعده‌ی تصویب آن به سفر ریاست جمهوری ارجاع داده می‌شود. طرحی که در جریان سفر رییس جمهور به کرمان هم به هیچ وجه مطرح نشد!

بنابراین با این نامه که در ۲۲ اسفند ماه ۸۴ نوشته می‌شود عملاً سال ۸۴ هم بدون هیچ اقدام جدی به پایان می‌رسد و طرح احداث بهارستان، با اندکی پیشرفت وارد ششمین سال اجرای بی‌اجرایی خود می‌شود.

**«کار ما رسیدگی به تفریح زنده‌هاست!»**  
سال ۸۵ به اتفاق آقای طیب طی نامه‌ی با دستخط زیبایی ایشان پرونده بهارستان را به انضمام نقشه‌های اجرایی به «جلال ماب» شهردار جدید کرمان تحویل می‌دهیم و شهردار نیز با خودنویسی سبزی که ویژه‌ی مدیران است، ۴ مورد زیر را در حاشیه‌ی نامه می‌نویسد:  
۱- هیات امنای با ترکیب جدید تشکیل شود.  
۲- آیین‌نامه‌ی نحوه‌ی اداره و تصمیم‌گیری در خصوص قبرستان مشاهیر تصویب شود.  
۳- با معاون عمرانی به منظور هرگونه کمک و مساعدت، مکاتبه شود.  
۴- طرح تهیه و برآورد هزینه شود.

البته از بین اوامر چهارگانه‌ی جناب شهردار به جز ترکیب جدید هیات امنا، همه در طول سال‌هایی که بیهوده هدر شد، انجام شده بود. شهردار طی نامه‌ای از معاون استاندار در اجرای طرح تقاضای کمک می‌کند و متعاقب آن «سلاجقه» رییس جدید شورای شهر، طی نامه‌ی در آذر ماه ۸۵ از معاون استاندار می‌خواهد در جهت تسریع اجرای پروژه اقدام کند و پس از ۳ ماه شهردار از فرار گرفتن طرح در پروژه‌ی بزرگ بردیسان قائم خبر می‌دهد و طی نامه‌ی از «کمالی» معاون استاندار می‌خواهد که به قول خود وفا کرده و مبلغ ۳۰ میلیون تومان جهت آغاز عملیات اجرایی پروژه را به حساب شهرداری واریز نماید. پس از پیگیری من و مرحوم طیب، در جلسه‌ای که در محل دفتر مدیرعامل پروژه بردیسان قائم در محل جنگل قائم معلوم برگزار شد، معلوم می‌شود که احداث بهارستان در هیچ کجای این پروژه دیده نشده است و تنها دستاورد این جلسه کلام طنزآمیز یکی از کارشناسان مجری طرح است که می‌گوید: «این پروژه به فکر ایجاد وسائل آسایش و تفریح برای زنده‌هاست و کاری به مرده‌ها حتی از نوع هنرمندان و



۴- شبهه‌ای که بین دو طرح فوادیه و بهارستان به وجود آمده بود، مشکل بزرگی بر سر راه اجرای طرح شد/ این شبهه‌افکنی، کل طرح را هم می‌توانست به نابودی بکشاند. از آنجا که آقا فتح... قدسی کرمانی معروف به فواد یکی از شاعران ولایی متولد ۱۲۷۰ و صاحب مجموعه شعر «شمع جمع» که در جوار بهارستان هنرمندان مدفون است به لحاظ شبهه‌ی بهایی بودن در تاریخ کرمان، مهجور مانده است؛ به همین دلیل امام جمعه با تصور این که کمیته بهارستان قصد دارد فواد را مطرح کند با اجرای طرح مخالفت کرد و دیگر مسئولان هم از ورود به این حوزه به خط قرمز محسوب می‌شد حذر می‌کردند. حتی این موضوع در دیدار با رهبری هم در زمان کنگره بزرگداشت شهید باهر که بنده نیز از طرف خانه مطبوعات در آن دیدار حضور داشتم از طرف امام جمعه کرمان مطرح شد ولی ایشان با قرأت شعری از فواد در رثای امام حسین (ع) این ادعا را رد کردند. ولی کماکان مهاجری شهردار وقت از پیگیری آن امتناع می‌کرد.  
۵- می‌گویند حرمت امامزاده را متولی آن نگه می‌دارد؛ ولی همکاری و نیاز هنرمندان به عنوان متولیان اصلی این طرح، هرگز احساس نشد و آنان در مورد حفظ حرمت خویش،

با ترکیب جدید شورای شهر کرمان و انتخاب شهرداری جوان پرونده‌ی غم‌انگیز و پر از بی‌توجهی و جور، با بررسی کارشناسانه‌ی طرح ارائه شده توسط دکتر معین‌زاده، در اتمام طرح بهارستان هنرمندان کرمان همت گمارند و اجرای آن را در اولویت برنامه‌های شورای شهر قرار دهند که مسلماً احداث آن یکی از ماندگارترین بناهایی است که در کارنامه‌ی این شورا خواهد ماند و آیندگان از آن به نیکی یاد خواهند کرد

انگار هیچ مطالبه‌ای نداشتند. حتی زمانی که «زاهدی» در شورای شهر نسبت به تغییر نام بهارستان از هنرمندان به مشاهیر اقدام و تاکید کرد که ورزشکاران و دانشگاهیان هم در زمره هنرمندان محسوب شوند؛ هیچکس اعتراض نکرد. در صورتی که هیات امنای کمیته بهارستان حق و اختیار هرگونه تغییر در اساسنامه را داشتند...

**ای که دستت می‌رسد کاری بکن...**  
با ترکیب جدید شورای شهر کرمان و انتخاب شهرداری جوان انتظاری می‌رود با بازخوانی این پرونده‌ی غم‌انگیز و پر از بی‌توجهی و جور، با بررسی کارشناسانه‌ی طرح ارائه شده توسط دکتر معین‌زاده، در اتمام طرح بهارستان هنرمندان کرمان همت گمارند و اجرای آن را در اولویت برنامه‌های شورای شهر قرار دهند که مسلماً احداث آن یکی از ماندگارترین بناهایی است که در کارنامه‌ی این شورا خواهد ماند و آیندگان از آن به نیکی یاد خواهند کرد.  
این مهم البته که مثل همه‌ی کارهای فرهنگی، باز هم دل‌سوزی و پیگیری همه‌ی اهالی فرهنگ و هنر را می‌طلبد تا به‌عنوان انسان‌هایی پیشرو و آگاه به حقوق خود تا حصول نتیجه‌ی نهایی، دست از تلاش برای احیا و احداث این طرح برندارند و بدون تسامح و تساهل انجام این مهم را از شورای شهر و شهرداری مطالبه کنند تا استان کرمان نیز همچون سایر استان‌ها در آینده‌ی نزدیک، بهارستانی در خور نام بزرگ شاعران، نویسندگان، هنرمندان و سایر مشاهیر خود داشته باشد؛ و تحقق این امر دور از دسترس نیست؛ اگر بخواهیم.



۸۸/۷/۱۹ در شهرداری ثبت شده است و پس از آن این پروژه هم در زمره‌ی هزاران طرح ناتمام پایگانی شد.

**چرا اجرای این پروژه طولانی شد؟**  
به‌نظر من چند عامل اساسی، روند پیشرفت این طرح را کند کرد:  
۱- نگاه سیاسی و جناحی مدیران به طرح‌های جدید که هر کدام قصد داشتند آن را به نام خودشان تمام کنند.  
۲- بی‌تجربگی شوراها در بدو تاسیس و عدم هماهنگی با شهرداری که مسیر اجرای کارها را کند می‌کرد.  
۳- عدم مدیریت منسجم کمیته مردمی بهارستان هنرمندان و عدم برگزاری جلسات منظم. اگرچه انتخاب «گلاب‌زاده» که در بدو اجرای طرح، رییس مرکزکرمان شناسی بود و نفوذ زیادی در نهادهای اداری داشت، انتخاب مناسبی محسوب می‌شد، ولی وی مشغله‌های زیادی داشت و گذشته از ریاست کرمان‌شناسی، در زمینه‌ی انتشارات، نویسندگی، گویندگی و خلاصه در بیشتر زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی فعالیت داشت و شاید به خاطر کمبود نیروی متخصص، بارمشارودی چندین سازمان و نهاد را هم به تنهایی به دوش می‌کشید.  
مسئله برای پیگیری مداوم اجرای طرح، وقت چندانی نداشت و به همین لحاظ هر از چندنی، جلسه‌ای تشکیل می‌شد که در ۶ ماهه‌ی بعد از تاسیس کمیته همین جلسات هم قطع شد و کم کم اعضا کمیته کاهش پیدا کرد و بنده به اتفاق مرحوم جلال طیب این شمع را روشن نگه داشته بودیم و هرازچندی کشش آهنین به پا می‌کردیم و پرونده را زیر بغل می‌گرفتیم و به این سو و آن سو می‌بردیم.